



**The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The 16 rd.
Year/NO: 3 autumn 2023**

Investigating cultural diversity in Iran's Islamic legal system and Unesco

Hasanpoor, Hedayat¹ Atrian, Faramarz² Ansari Mahyari, Alireza³

Received date: 2023/05/10

Acceptance date: 2023/09/16

Abstract

Unesco cultural diversity means the existence of patterns, ways of acting and expressing feelings, lifestyles and diverse value systems among social groups within the geographical borders of a country that naturally interact and co-exist with each other. The convention of the diversity of cultural expressions, which is actually a platform for the recognition of cultural multiplication. The purpose of this research is to investigate the cultural diversity in the legal system of Iran and UNESCO. The findings of the research show that in the UNESCO declaration on cultural diversity and concepts such as freedom of expression, media pluralism, linguistic pluralism, equal access to art and scientific and technological knowledge, including digital knowledge, and the possibility of access of all cultures to means of expression And publication, exchange of knowledge and the best practices related to cultural pluralism have been emphasized in order to facilitate the participation of individuals and groups with different cultural backgrounds. But in the laws of the Islamic Republic, this declaration faces limitations. In an Islamic society, which is supposed to be governed by Sharia, all cultural communities do not have equal opportunities to prosper, they do not benefit from the same opportunities to access political power. In general, in the Constitution of the Islamic Republic of Iran, three important conditions are considered: non-opposition to Islam, non-contradiction with public interests, and non-contradiction with the rights of others for cultural diversity.

Keywords: Cultural diversity , Unesco , Islamic legal system , Constitution.

¹. Ph.D. student of public law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. Daftar2habibi@yahoo.com

². Assistant Professor, Department of Law, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran. (corresponding author). Atrian.f.1001@gmail.com

³. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Theological Law and Islamic Studies, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran. limahyari63@gmail.com

بررسی تنوع فرهنگی در نظام حقوقی اسلام در ایران و یونسکو

هدایت حسن پور^۱ فرامرز عطریان^۲ علیرضا انصاری مهیاری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۵

چکیده

یونسکو تنوع فرهنگی به معنای وجود الگوها، شیوه های عمل و بیان احساس، سبک های زندگی و نظام های ارزشی متنوع در میان گروه های اجتماعی در درون مرزهای جغرافیایی یک کشور است که به گونه ای طبیعی با یکدیگر تعامل و همزیستی دارند. کنوانسیون تنوع بیان های فرهنگی که در واقع بستر به رسمیت شناختن تکثیر فرهنگی است. هدف از این تحقیق بررسی تنوع فرهنگی در نظام حقوقی ایران و یونسکومی باشد. یافته های تحقیق نشان می دهد در اعلامیه یونسکو بر تنوع فرهنگی و مفاهیمی همچون آزادی بیان، کثرت گرایی رسانه ها، کثرت گرایی زبانی، دسترسی مساوی به هنر و دانش علمی و فناوری از جمله دانش دیجیتال و امکان دسترسی تمامی فرهنگها به ابزار بیان و نشر، تبادل دانش و بهترین رویه های مربوط به کثرتگرایی فرهنگی به منظور تسهیل مشارکت افراد و گروه های دارای زمینه های فرهنگی گوناگون تأکید گردیده است. اما در حقوق جمهوری اسلامی این اعلامیه با محدودیت هایی رو به رو می شود. در یک جامعه اسلامی که قرار است احکام شریعت بر آن حکمرانی کند همه اجتماعات فرهنگی از فرصت های برابر شکوفایی برخوردار نیستند، از امکانات یکسان در دسترسی به قدرت سیاسی بهره نمی برند. به طور کلی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سه قید مهم، عدم مخالفت با اسلام - عدم مغایرت با مصالح عمومی - عدم مغایرت با حقوق دیگران برای تنوع فرهنگی در نظر گرفته است.

کلیدواژگان: تنوع فرهنگی، یونسکو، نظام حقوقی اسلام، قانون اساسی.

Daftar2habibi@yahoo.com

Atrian.f.1001@gmail.com

limahyari63@gmail.com

^۱ دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

^۲ استادیار گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسؤول).

^۳ استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

مقدمه

تنوع فرهنگی، فرهنگ و شکل‌گیری سنت‌ها، رهیافت‌های متفاوتی را امکان‌پذیر کرده است که معمولاً از دو سنت مردم‌شناسانه انسان‌شناختی و رفتارگرایانه روانشناختی در تبیین مفهوم فرهنگ سیاسی یاد میکنند. اصولاً دولت-کشورها دارای اقوام متعدد با خصوصیات منحصر بفرد بوده‌اند. در راستای سیاست‌های جهانی، دو گونه برخورد را می‌توان در مواجهه با قومیت‌ها مشاهده کرد. حقوق فرهنگی یکی از ابعاد نسل دوم حقوق بشری است. نسل دوم حقوق بشر که همان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است؛ بر اساس میثاق بین‌المللی در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به رسمیت شناخته شد. حقوق فرهنگی حقوقی است که هدف از آن رشد شخصیت و بالندگی انسان از راه آموزش، پرورش و ارتقای سطح آگاهی و فرهنگ و ایجاد دوستی و تفاهم میان مردم می‌باشد. ایران، کشوری چندفرهنگی است و تنوع قومی و زبانی، یکی از ویژگی‌های شاخص آن است. الگوی ملت در این کشور ترکیبی و نامتوازن است؛ بدین صورت که بخش بزرگی از ملت، که در یک یا چند ویژگی و خصیصه ترکیبی مشترک اکثریت دارند، هیأت کلی ملت ایران را تشکیل می‌دهد و بخش کوچک‌تری از ملت نیز به علت دارا بودن یک یا چند ویژگی با بخش اکثریت ملت تجانس کامل ندارند و در جایگاه اقلیت، اجزا و پاره‌های کوچک‌تر ملت ایران قلمداد می‌شوند. هدف از این پژوهش بررسی تنوع فرهنگی در نظام حقوقی اسلامی ایران و یونسکو و بررسی هویت‌های قومی مذهبی در رابطه با اصول تنوع فرهنگی در یونسکو می‌باشد.

پیشینه‌ی پژوهشی

وحیدی (۱۳۸۳) در تحقیقی تحت عنوان «کنوانسیون جهانی تنوع فرهنگی بررسی زمینه‌های فکری - تاریخی»، موضوع و چشم‌انداز تصویب و تبعات در سیاست‌گذاری فرهنگی چنین نتیجه‌گیری می‌نماید: در این مقاله بر آن است تا زمینه‌های شکل‌گیری مرجعیت جدید فرهنگی جهانی براساس تنوع و تکثر فرهنگی را بشناسیم و نشان دهیم که هم‌اکنون در سطح جهان این مرجعیت فرهنگی مبنای توسعه انسانی و پایدار شمرده می‌شود. از آن جا که به احتمال بسیار زیاد جمهوری اسلامی ایران نظر موافق خود را نسبت به این کنوانسیون در سال ۲۰۰۵ اعلام خواهد کرد، مهم‌ترین تبعات این تصمیم بر سیاست‌گذاری فرهنگی در عرصه‌های کلان و بخشی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

منتظری و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «بررسی نسبت تنوع فرهنگی در ایران و حقوق بشر» چنین بیان می‌کند: برحسب دو عنصر شاخص مذهب و زبان بین اقوام ایرانی تمایز وجود دارد و آنها را به چند دسته تقسیم می‌کند. بخش زیادی از جمعیت کرد زبانها در غرب ایران و بلوچها پیرو مذهب تسنن هستند که از مذهب رسمی کشور متفاوت هستند. درعین حال ترک‌ها، لرها و بخش زیادی از عربها از نظر زبانی به حوزه زبانی متفاوت با زبان رسمی کشور - که فارسی است - تعلق دارند؛ اما از لحاظ مذهبی باتوجه به اینکه پیرو مذهب تشیع هستند با مذهب رسمی کشور اختلافی ندارند. هرچند تنوع قومی و فرهنگی برای کشوری مانند ایران می‌تواند فرصت‌های مناسبی برای توسعه کشور فراهم کند، در عین حال می‌تواند یکی از بسترهای مهم ناامنی و تهدیدات امنیتی به شمار رود؛ به ویژه اینکه جغرافیای سیاسی قومیت‌های ایرانی مانند مرزنشینی اکثر اقلیت‌های نژادی و مذهبی و شکاف‌های فرهنگی میان آنها می‌تواند سبب طمع ورزی و تحریک کشورهای استعمارگر و حضور فتنه‌انگیز بیگانگان در آشوب‌های قومی و اختلافات مذهبی و... شود.

مصطفی‌زاده، کشتی آرا، قلی‌زاده، (۱۳۹۸) در تحقیق دیگری تحت عنوان «ضرورت‌های آموزش چند فرهنگی و واکاوی عناصر و مولفه‌های تعلیم و تربیت چند فرهنگی» به این نتایج دست یافتند: یافته‌های این پژوهش ضمن مشخص کردن ضرورت‌های تعلیم و تربیت چند فرهنگی (واقعیت‌های اجتماعی جامعه ایران، منزلت و کرامت انسانی و لزوم احترام به فرهنگ همه انسان‌ها، فقدان آموزش چند فرهنگی در نظام تربیتی کنونی، جهانی شدن و الزامات آموزشی ناشی از آن، ضرورت‌های تربیت معلمان آشنا به آموزش چند فرهنگی) نشان داد که توجه به برنامه درسی چند فرهنگی در آموزش، در شرایط کنونی جهانی و ملی یک ضرورت اجتناب ناپذیر است و در پایان مولفه‌های آموزش چند فرهنگی مورد شناسایی قرار گرفتند که به طور خلاصه می‌توان موارد زیر را اشاره نمود: آموزش ضد تبعیض نژادی، پذیرش تنوع و تکثر، همزیستی مسالمت‌آمیز با گروه‌های دیگر، رعایت عدالت تربیتی، انعطاف در برنامه‌های درسی، تنوع در استفاده از روش‌های تدریس، تنوع در استفاده از مواد آموزشی، حق حفظ زبان‌های اقلیت.

صفاری‌نیا، (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان «حقوق فرهنگی در نظام بین‌المللی حقوق بشر؛ حرکت کم‌شتاب در بستر پرتلاطم» چنین بیان می‌کند: حقوق فرهنگی طیف وسیعی از حقوق انسانی را شامل می‌شود. بسیاری از حق‌ها و آزادی‌های انسانی یا در مجموعه حقوق فرهنگی قرار دارند و یا برای تحقق صحیح آن‌ها به حقوق فرهنگی نیاز است. همچنین تحقق بسیاری از حق‌ها به صورت غیرمستقیم با حقوق فرهنگی پیوند دارد. به همین جهت، بسیاری از مصادیق حقوق فرهنگی به منزله مبنا و بنیاد بهره‌مندی از سایر حقوق بشر قلمداد می‌شوند. با همه اهمیت حقوق فرهنگی، نظام بین‌المللی حقوق بشر در این حیطة علی‌رغم پشت سر نهادن روندی پرآفت و خیز برای کامل شدن، نه تنها هنوز امیدهای بسیاری را پاسخ نگفته، بلکه نگرانی‌های متنوعی را نیز دامن زده است. در مطالعات روزافزون حقوق بشر در سراسر دنیا همچنان سهم بررسی‌های مربوط به حقوق فرهنگی و شکل‌گیری فکر و اندیشه در این زمینه مطلوب نیست و پرسش‌های متعدد بی‌پاسخ باقی مانده است.

جعفری (۱۳۸۸) تحت عنوان «جمهوری اسلامی و تنوع فرهنگی یونسکو» چنین بیان می‌کند: ضمن بررسی مبانی نظری و فلسفی پارادایم تنوع فرهنگی یونسکو و نیز اصول حقوقی پشتیبانی‌کننده آن، به نقد کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی می‌پردازد و با اشاره به حرکت رو به رشد انقلاب اسلامی و ساختن جهانی سرشار از معنویت و عدالت، دولت جمهوری اسلامی را از ورود در کنوانسیون نهی می‌کند. کنوانسیون تنوع بیان‌های فرهنگی که در واقع بستر به رسمیت شناختن تکثیر فرهنگی است خود زمینه ساز و یکی از عوامل مهم جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد لذا فهم مبانی و مبادی آن برای برنامه‌ریزان و برنامه‌سازان رسانه‌ای اهمیت بالایی دارد.

میشل^۱ (۱۹۶۸) در تحقیق تحت عنوان «ارتباطات فرهنگی بین‌المللی» از ارتباطات میان فرهنگی فراتر از دیپلماسی فرهنگی است. دیپلماسی فرهنگی بیشتر شامل فعالیت‌های فرهنگی رسمی میان دولت‌ها است که در آن فرهنگ خود را در قالب‌های رسمی ارثه می‌کنند یا اجازه چنین فعالیتی را به طرف مقابل می‌دهند. در حالی که ارتباطات میان فرهنگی علاوه بر فعالیت‌های فرهنگی رسمی دولت‌ها، شامل فعالیت‌های فرهنگی موسسات و نهادهای خصوصی و غیردولتی نیز می‌شود. از مهمترین مصادیق ارتباطات میان فرهنگی می‌توان به تبادل و ترجمه کتاب، نمایش فیلم، تولید برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به زبان مقصد، موسیقی، رسانه‌های اجتماعی، اعزام تیم‌های ورزشی، جذب توریست، اعطای بورسیه‌های تحصیلی، آموزش و ترویج زبان ملی، شرکت در

کنفرانس‌های علمی، تبادل استاد و دانشجو میان دانشگاه‌ها و موسسات علمی و تحقیقاتی و برگزاری نمایشگاه‌های مختلف فرهنگی از جمله در زمینه آداب و رسوم مردم یک کشور در کشور میزبان اشاره کرد.

در تحقیق دیگری که وسط بیکام^۱ (۲۰۱۲) تحت عنوان «دیپلماسی بین‌المللی و جنبش المپیک دیپلماسی ورزشی» بیان می‌کند، که دیپلماسی ورزشی خود شاخه‌های مختلفی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها دیپلماسی المپیک است. کشورهای بزرگ علاوه بر تلاش جهت حضور موفقیت‌آمیز در المپیک و بهره‌برداری رسان‌های از پیروزی‌های ورزشکاران خود مبنی بر پیشرفت و ترقی آن کشور، سعی بسیاری برای میزبانی این بازی‌ها می‌کنند. میزبانی المپیک یکی از مهمترین فرصت‌ها برای افزایش جایگاه کشور میزبان از طریق به نمایش گذاشتن سطح توسعه و پیشرفت کشور است. همچنین میزبانی المپیک به دلیل ذات این بازی‌ها، تصویری مثبت و صلح‌جو از کشور میزبان به نمایش می‌گذارد. به همین دلیل چین بعد از حادثه میدان تیان‌آنمن تلاش کرد با میزبانی بازی‌های المپیک در سال ۲۰۰۰ تصویر نامناسب خود را تغییر دهد که البته موفق نشد؛ اما با میزبانی در سال ۲۰۰۸ تا حدود زیادی به اهداف خود نائل آمد.

مبانی نظری تحقیق

تنوع فرهنگی موضوع مهم قرن بیست و یکم است. این میراث بشری طی یک دهه اخیر توسعه فراوانی یافته، به طوری که تلاش برای تدارک حقوقی به عنوان پایه‌ای برای آن به گفتمانی در حقوق بین‌الملل معاصر تبدیل شده است. یونسکو در اعلامیه جهانی در این خصوص در سال ۲۰۰۱ از تنوع فرهنگی به عنوان میراث مشترک بشریت یاد می‌کند. در همین زمینه کنوانسیون‌های دیگری از جمله کنوانسیون حمایت میراث فرهنگی غیرمادی (۲۰۰۳) و نیز کنوانسیون حمایت و توسعه، حمایت از تنوع نشانه‌ها و نمودهای فرهنگی (۲۰۰۵) تنظیم شد و به تصویب کنوانسیون یونسکو رسید (جاوید، ۱۴۰۰، ص. ۴۵۶). تنوع فرهنگی در یک نگاه کلان حق طبیعی بشری است. تنوع فرهنگی به عنوان یک اصل در جهان خلقت وجود دارد. شاید بهتر است از این اصل حاکم، قانونی به نام قانون طبیعی تنوع فرهنگی استخراج کنیم.

در تعریف تنوع فرهنگی لازم است به گوناگونی گروه‌های ساکن در یک واحد جغرافیایی در امور فرهنگی مانند زبان، تاریخ و نژاد اشاره کرد. به بیانی، «تنوع فرهنگی به تفاوت‌های گروهی در دستاوردهای مادی و غیرمادی دلالت دارد» (صالحی امیری، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۲). تنوع فرهنگی را به عنوان بخشی از میراث مشترک بشریت که منبعی برای مبادله اطلاعات، خلاقیت و نوآوری است، می‌توان با تنوع زیستی در جهان طبیعت مقایسه و آن را لازمه زندگی بشری دانست؛ از این رو برای استفاده نسل‌های حال و آینده باید پاس داشته شوند و همانند بخش مهمی از حقوق بشر به آن توجه شود (یونسکو، ۱۳۸۴).

مقصود از تنوع فرهنگی، ارزش یکسان فرهنگ‌های گوناگون و لزوم برابری آن‌ها در پیشگاه انسان‌هاست. در نگاه یونسکو، تنوع فرهنگی قابل مقایسه با نوع زیست محیطی است. مبانی تنوع فرهنگی در یونسکو عبارتند از: دموکراسی به منزله نظام سیاسی مطلوب که اسباب مشارکت فعالانه شهروند را در زندگی سیاسی و اجتماعی فراهم سازد، کثرت‌گرایی که عرصه را بر تضارب آرا و اندیشه‌های برآمده از افق‌های گوناگون تمدنی و سرزمینی مستعد می‌سازد و به همراه خود تساهل را به ارمغان می‌آورد و حقوق بشر که بنیان تفکر تنوع را پدید می‌آورد. در زمینه حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب سازمان ملل متحد، بستر ساز

مجموعه‌ای از حقوق بنیادین برای انسان شده است که احترام به آن طبعاً و قطعاً به گسترش تنوع فرهنگی منجر می‌شود (وحید، اسماعیلی زاده، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۹).

اما جمهوری اسلامی ایران در سطح داخلی به نوعی مهندسی فرهنگی پایبند است و سند یونسکو را به عنوان مرجعیت نمی‌پذیرد. از منظر اسلامی تنوع فرهنگی نمی‌تواند به عنوان یک ارزش ذاتی ذیل پارادایم تکثر مورد پذیرش واقع شود، زیرا گزاره‌های ارزشی مدنظر تکثرگرایی ارزشی اگر نگوئیم مبتنی بر فلسفه سیاسی اجتماعی لیبرال هستند، دست کم با گزاره‌های بنیادین حقوق سیاسی اجتماعی اسلام همخوانی ندارند.

در این نوشتار برآنیم ضمن مروری اجمالی بر زمینه‌های فکری و تاریخی کنوانسیون یونسکو و حقوق ایران، پرتویی بر منطق حاکم بر آن اندازیم. سپس به چرایی رویکرد جمهوری اسلامی ایران نسبت به کنوانسیون به عنوان با رویکرد اعلانی یکسان در آغاز کار و رویکرد عملی متفاوت در ادامه خواهیم پرداخت. در پاسخ به چرایی این، از روش مطالعه اسنادی و چارچوب مفهومی تطبیقی بهره خواهیم برد. ساختار این مقاله، بر اساس آنچه ذکر شد، بر سه بخش استوار است. در بخش نخست، بحثی در خصوص زمینه‌های فکری و تاریخی شکل‌گیری این کنوانسیون مطرح شده و در پی آن رویکرد جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون محور بحث قرار داده شده و به مقایسه تطبیقی پرداخته می‌شود.

حضور تنوع فرهنگی در ایران و یونسکو

دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شاهد طرح مفاهیمی همچون پژوهش فرهنگی، اقتصاد فرهنگی، آموزش کارگزاران فرهنگی، برنامه‌ریزی، اقبال به سیاست فرهنگی و تأکید بر مسئولیت دولت‌ها در حوزه فرهنگ و تأسیس نهادها و وزارتخانه‌های امور فرهنگی بود. همچنین در سطح فراملی همکاری‌های گسترده‌ای در زمینه سیاست فرهنگی و با محوریت تأکید بر نقش فرهنگ به عنوان ابزار توسعه شکل گرفت. یونسکو مرکز این فعالیت‌ها بود و جنبش عدم تعهد نیز همگرایی‌هایی را در میان کشورهای تازه رها شده ساماندهی کرد. بی‌جهت نیست که صاحب نظران این دو دهه را عصر طلایی سیاست‌های فرهنگی نام نهاده‌اند (حمیدی فراهانی، ۱۳۸۵، ص. ۱۳۹).

در سال ۱۹۷۰ کنفرانس بین دولتی جنبه‌های مالی، اداری و نهادهای سیاست‌گذاری فرهنگی در ونیز برگزار شد. تأکید کنفرانس بر ضرورت ارتباط نزدیک میان برنامه‌ریزی فرهنگی و عمومی و لزوم مشارکت دولت در امور فرهنگی از طریق به رسمیت شناختن حق بهره‌مندی مردم از فرهنگ بود. پیرو آن، کنفرانس‌های منطقه‌ای هلسینکی (۱۹۷۲)، جاکارتا (۱۹۷۲) و آکرا (۱۳۷۵) برگزار شد که با وجود تفاوت‌هایی در محورهای بحث در خصوص نقطه کانونی توسعه در بستر فرهنگ هم سویی داشتند. بدین ترتیب در تطور تاریخی نظریات توسعه در دهه ۱۹۸۰ با دو دیدگاه عمده در زمینه توسعه روبرو هستیم: دیدگاه اقتصادمحور که در قالب سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال نمایان است و دیدگاه فرهنگ محور که در قالب کنفرانس جهانی سیاست‌گذاری فرهنگی (مکزیکوسیتی) تبلور یافته است. اعلامیه نهایی این کنفرانس ضمن ارائه تعریف گسترده از فرهنگ به لزوم توجه به ابعاد فرهنگی توسعه، همکاری‌های بین‌المللی فرهنگی، نقش مهم دولت‌ها در تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی، لزوم استفاده از خلاقیت و مشارکت شهروندان در زندگی فرهنگی تأکید کرد (Mexico City Declaration¹, 1982). در این چارچوب در دهه جهانی توسعه (۱۹۹۷-۱۹۸۸)، یونسکو چهار

¹ http://portal.unesco.org/culture/en/files/12762/1129541661mexico_en.pdf/mexico_en.pdf

هدف توجه به ابعاد فرهنگی توسعه، تأکید و تقویت هویت های فرهنگی، تشویق مشارکت در حیات فرهنگی و ترویج همکاری های فرهنگی را دنبال کرد.

شکل گیری نگاه و خواسته قومی در ایران بیش از آن که محصول مناسبات سیاسی و فرهنگی در خود ایران باشد، بازتاب شکل گیری یک چنین پدیده هایی در خارج از مرزهای ایران بوده است؛ ناسیونالیسم «آذری» حاصل تحولات شکل گرفته در حاشیه مسلمان نشین امپراتوری روسیه در قفقاز بود که در پایان جنگ اول جهانی به تأسیس کشوری به نام «آذربایجان» ناسیونالیسم کرد در حوزه عثمانی دانست (بیات، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۲).

تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی معاصر ایران، نمونه های مشابهی از ائتلاف چند طبقه ای را در بطن خویش دارد. انقلاب مشروطه و جنبش ملی شدن صنعت نفت به عنوان تبلور عینی چنین ائتلاف های فراگیر در سده معاصر، اگر چه مرحله اول نهضت را در کسب قدرت سیاسی به سرعت طی کرده اند. ولی در مراحل بعد با بروز شکاف ها، چند دستگی ها، نتوانستند آمال و آرزوهای بانیان آن را جامه عمل بپوشانند (مقصودی، ۱۳۸۱، ص. ۲۹۳).

مهم ترین ویژگی چنین ائتلافاتی سرعت در کسب قدرت سیاسی و بر هم زدن نظم سیاسی قدیم است، ویژگی دوم آن بروز مشکلات و تنگناهای بسیار زیاد و خارج از شمار در مراحل اولیه تثبیت و تحکیم نظام جدید است که مؤتلفین سابق را در برابر هم قرار می دهد (مقصودی، ۱۳۸۱، ص. ۲۹۳). فرآیند تحدید حدود قلمرو و تعیین «مرزهای بین المللی» در خلال جنگ های قرن نوزدهم و معاهدات بر آمده از آنها، باعث آن شد که نوعی هویت قلمرویی در میان ایرانیان شکل گیرد: «... شکل گیری مرزها باعث آن شد که هویت ایرانی بیشتر از منظر قلمرویی مورد تأکید قرار گیرد تا زبان. این امر زمین و جغرافیا را به عنوان یکی از الزامات ایرانیت مطرح کرد. مرزهای «بسته» مجموعه ای از مردمان را که هر یک از پیشینه قومی خاصی برخوردار بودند، برای اولین بار تحت حاکمیت صریح و روشن یک پادشاه گرد آورد. در حالی که در ازمنه پیشین، طبیعت رفت و آمد انسانها را محدود کرده بود و حکمرایان محلی نیز امر حاکمیت را مبهم داشته بودند.

از اواخر قرن نوزدهم معاهدات جدید و خط مشی های سیاسی قدرت های بزرگ، به تعاریفی جدید از اقتدار جغرافیایی و در مواقعی چند نیز به تعیین مرزهای جدید و مصنوعی از لحاظ فرهنگی منجر گردید. تحدید حدود با سعی و تلاش در جهت تمرکز دولتی توأم گردید. دربار امپراتوری بالآخره این اصل را پذیرفت که بقای مرکز به همراهی و همکاری حاشیه بستگی دارد. همزمان با محدود شدن حوزه فرمانروایی پادشاه، تمایل ایرانیان به نیل به ملیت نیز افزایش یافت. ایران دیگر فقط ملکی نبود که به پادشاهی تعلق داشته باشد، بلکه از ملتی تشکیل می شد مرکب از شهروندان ذینفع (اتابکی، ۱۳۹۱، ص. ۷).

مفهوم تنوع فرهنگی

تنوع فرهنگی از ترکیب دو واژه «تنوع^۱» و «فرهنگ^۲» ساخته شده. مفهوم فرهنگ بسیار صعب و پیچیده است زیرا از طرفی با عوامل درونی انسان و از طرفی با عوامل بیرونی همچون مذهب، رسم و رسوم در ارتباط است و به قولی «فرهنگ برابر است با انسانیت پس انکار فرهنگ نیز برابر است با انکار انسانیت» (کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸/۱۲/۴).

^۱ Diversity
^۲ Culture

بنابراین، «فرهنگ چیزی است که نمونه‌های انسانی آن را می‌رساند. فرهنگ محتوای آنها - همچون هویت، اعتقاد، ارزش‌ها و رفتارهایشان - را ارائه می‌دهد. فرهنگ به عنوان بخشی از فرایند طبیعی رشد در خانواده و جامعه و بواسطه شرکت در نهادهای اجتماعی آموخته می‌شود» (دلر و جاری^۱، ۲۰۱۰، ص. ۶۷). از طرفی نیز «فرهنگ‌های گوناگون، به نوبه خود، الگوهای گوناگون واقعی تولید می‌کنند، و هر یک حمایت و دفاع می‌شوند» (دلر و جاری، ۲۰۱۰، ص. ۶۷). توسط اشخاص درون آن فرهنگ‌ها. با این حال، در رابطه با تعریف فرهنگ اختلاف نظر زیادی میان علما و دانشمندان وجود دارد. هر یک از دانشمندان از دیدگاه خود تعریفی از فرهنگ ارائه داده است (پرویس، لئو^۲، ۲۰۰۷، ص. ۵-۴). اهمیت تنوع فرهنگی تا آنجایی است که در ماده یک اساسنامه تأسیس یونسکو آمده است:

«برای حفظ استقلال، تمامیت ارضی و تنوع فرهنگ‌ها، سازمان حق مداخله در امور واقع در صلاحیت داخلی دولت‌های عضو را ندارد» (بیگ زاده، ۱۳۸۲، ص. ۵۳۵). تصویب اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی توسط نمایندگان ۱۸۸ کشور شرکت کننده در سی و یکمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو (آبان ۱۳۸۰) حاوی ۱۲ ماده و یک برنامه کار با ۲۰ موضوع نشان از اهمیت مسئله فرهنگ در موضوعات جهانی و حقوق بشر دارد. اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی شامل چهار بخش است که هر بخش سه ماده را در بر می‌گیرد. در بخش اول تنوع فرهنگی به عنوان میراث مشترک بشری معرفی می‌گردد، در بخش دوم حقوق بشر به عنوان ضامن تنوع فرهنگی معرفی می‌شود، در بخش سوم میراث فرهنگی جهانی به عنوان منبع خلاقیت شمرده می‌گردد و در بخش آخر بر ضرورت همکاری‌های بین‌المللی برای انتشار تولیدات فرهنگی تأکید می‌شود. براساس بخش نخست، تنوع فرهنگی به عنوان میراث مشترک بشری معرفی می‌شود که سر منشاء مبادله، ابداع و خلاقیت میان انسانهاست و برای بشر همان اهمیتی را دارد که تنوع زیستی برای زندگان. برای آنکه انسان‌هایی با فرهنگ‌های متنوع بتوانند به شیوه‌ای سازگار در کنار یکدیگر زندگی کنند، از تکثرگرایی گریزی نیست. تنوع پذیری و تکثرگرایی پایه‌ساز گونه‌ای از توسعه می‌شود که همراه با رشد اقتصادی، رضایت‌مندی فکری، احساسی، روحی و اخلاقی را نیز موجب می‌شود (وحید، ۱۳۸۳، ص. ۲۶۲). در مورد نسبت تنوع فرهنگی با حقوق بشر دو گفتمان متفاوت در مورد نسبت حقوق و تنوع فرهنگی ارائه شده است. گفتمان اول که می‌توان زاینده دوره مدرن دانست از سوی کشورهای غربی مطرح شد، دال مرکزی در این گفتمان انسان به سبک غربی است و تنوع فرهنگ‌ها هیچ تاثیری بر هنجارها و ارزش‌های حقوق بشر نمی‌تواند داشته باشد. در مقابل گفتمان نسبی‌گرایی قرار دارد که معتقد است حقوق بشر نسبی است و تفسیر هنجارها و ارزش‌های حقوق بشر تابع ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی جغرافیایی و منطقه‌ای هر ملت-دولت است. یعنی هر ملت-دولتی می‌تواند مواد حقوق بشر را بر اساس شرایط کشور و فرهنگ خود تفسیر نماید. دال مرکزی در این گفتمان تنوع و تکثر فرهنگ‌ها است.

در جمهوری اسلامی عده‌ای ماهیت واحد انسان‌ها که موجب شده است انسان یک سلسله حالات ثابت و مشترک داشته باشد را منشاء یک رشته نظام‌های تکوینی و قوانین تشریحی و مشترک دانسته‌اند و معتقدند همین جهات مشترک را می‌توان خاستگاه یک نظام ارزشی و رفتاری معین و واحد در نظر گرفت. این نظام به دلیل ثبات، همه‌زمانی و همه‌مکانی بودن منشاء و ملاک اعتبار و صحت آن، همیشه در همه جا و برای همه جامعه‌ها خوب است و سایر نظام‌ها و فرهنگ‌ها بسته به میزان اختلاف و بعدی که با

^۱ Diller, Jerry v
^۲ Parvis, Leo

این فرهنگ دارند بد و منفی خواهند بود. عده ای نیز با اشاره به این مهم که اولاً انسان فطرتاً اجتماعی است و ثانیاً انسان نوع واحد است چنین نتیجه گرفته‌اند که جامعه‌های انسانی نیز، ذات، طبیعت و ماهیت یگانه دارند؛ به عبارت دیگر از آنجایی که روح جمعی متکی بر فطرت انسانی انسان است و این فطرت دارای ذات، طبیعت و ماهیت یگانه می‌باشد، جامعه‌های انسانی نیز می‌توانند ذات، طبیعت و ماهیت یگان‌های داشته باشند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲، ص. ۵۰-۴۱).

به طور کلی در جمهوری اسلامی این سند با محدودیت‌هایی روبرو می‌شود. در یک جامعه اسلامی که قرار است احکام شریعت بر آن حکمرانی کند همه اجتماعات فرهنگی از فرصت‌های برابر شکوفایی برخوردار نیستند، از امکانات یکسان در دسترسی به قدرت سیاسی بهره نمی‌برند، پلیس و قوه قضایی در خصوص مطالبات مذهب بی تفاوت نیست و گروه‌های مخالف ارزش‌های اخلاقی و اسلامی جامعه باید همیشه در خصوص تزلزل و تضعیف موقعیت‌های اجتماعی خود دچار هراس باشند. از طرفی سند تنوع فرهنگی مبتنی بر سنت لیبرالی است که در آن به نظر می‌رسد که گاهی چار چوب شریعت را نادیده می‌گیرد.

مفهوم حقوق فرهنگی

امروزه تردیدی وجود ندارد که حقوق فرهنگی به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر خانواده بزرگ حق‌های بشری مورد پذیرش جامعه بین‌المللی قرار گرفته است چرا که دسته ای از حقوق مندرج در اسناد بین‌المللی بویژه «اعلامیه جهانی حقوق بشر»^۱ و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به خود اختصاص داده است. با این همه در مقایسه با دیگر حقوق بشری، کمتر به آنها پرداخته شده است. چنان که از عنوان پیداست، یک حق فرهنگی، حقی^۲ است که صاحب حق^۳ بر فرهنگ یا عرصه‌های مرتبط با فرهنگ خویش دارا است و همانند دیگر حق‌های بشری، صاحب تکلیف^۴ در برابر این حقوق، دولت‌ها هستند. فضای غالب در گفتمان حقوق بشر، فضای تضمین حق‌های افراد در برابر دولت است؛ به همین دلیل است که گفتمان حاکم بر اسناد بین‌المللی حقوق بشر در رابطه با دولت‌ها تعهد مدار و نسبت به افراد حق محور است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸، ص. ۵۳).

در یک مفهوم کلی می‌توان گفت: «حقوق فرهنگی حق‌هایی بشری‌اند که هدف از آنها تضمین بهره‌مندی صاحبان آن حقوق از فرهنگ و مؤلفه‌های آن در شرایط برابر، با حفظ کرامت بشری و عدم تبعیض می‌باشد». در خصوص تعریف حقوق فرهنگی می‌توان گفت هر حقوقی که مرتبط با حمایت از هر یک از این تجلی‌های بشری باشد، در حوزه حقوق فرهنگی قرار می‌گیرد. از این رو حقوق فرهنگی با حوزه موضوعات گسترده‌ای در ارتباط است. از جمله می‌توان به حق ابراز و خلق اشکال متنوع مادی و معنوی هنر، ارتباطات و اطلاعات، زبان، هویت، آموزش و پرورش، شیوه زندگی، شرکت در حیات فرهنگی، هدایت فعالیت‌های فرهنگی، دسترسی به میراث فرهنگی شناخته شده، شناخته نشده و... اشاره کرد.

مفهوم فرهنگ عامه^۵

^۱ . Universal Declaration of Human Rights (9 December, 1948).

^۲ . A Right

^۳ . Right-holder

^۴ . Duty-holder

^۵ . Popular Culture

دموکراتیزه کردن ابزارها و وسایل فعالیت فرهنگی به منظور توانمندسازی همگان برای مشارکت آزادانه و کامل در آفرینش‌های فرهنگی و مزایای آن، در توصیه نامه یونسکو درخصوص مشارکت در زندگی فرهنگی (۱۹۷۲) قویاً مورد تأکید قرار گرفته است.^۱ در اعلامیه ۱۹۸۲ مکزیکوسیتی راجع به سیاست‌گذاری‌های فرهنگی نیز بر لزوم مردمی کردن فرهنگ تصریح شده است. این اعلامیه، ضمن اشاره صریح به ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بر تضمین مشارکت حداکثری ممکن در آفرینش کالاها و تصمیم‌گیری‌های فرهنگی و همچنین انتشار فرهنگ بر مبنای عدم تبعیض تأکید دارد.^۲

افزون بر این، پدیداری امر مهمی هم چون مشارکت سیاسی در عرصه‌های مرتبط با زندگی فرهنگی در اسناد یاد شده به چشم می‌خورد.^۳ مفهوم مشارکت کارکردهای قابل توجهی در برداشت از فرهنگ دارد، چراکه از این چشم انداز، فرهنگ دارای دو بعد است: جنبه منفعل یا سلبی و جنبه فعال یا ایجابی فرهنگ.^۴ جنبه منفعل فرهنگ به آزادی بهره‌مندی یا به کارگیری فرهنگ اشاره دارد و جنبه فعال آن بیانگر آزادی پیگیری و شرکت در تمامی ابعاد زندگی فرهنگی است.^۵ توصیه نامه یونسکو درخصوص مشارکت در زندگی فرهنگی در رویکردی مشابه، برای حق مشارکت در زندگی فرهنگی قائل به دو عنصر شده است: دسترسی به فرهنگ و مشارکت در زندگی فرهنگی.^۶ منظور از دسترسی به فرهنگ در این رهیافت، وجود فرصت‌های عینی برای همگان، به ویژه از طریق ایجاد شرایط مناسب اقتصادی - اجتماعی، برای تحصیل آزادانه اطلاعات، آموزش، دانش و برخورداری از ارزش‌ها و اموال فرهنگی است.^۷ مشارکت در زندگی فرهنگی نیز به این معناست که فرصت‌های عینی باید برای تمامی اشخاص یا گروه‌ها به منظور بیان آزادانه خویش، برقراری ارتباط، اقدام و شرکت در فعالیت‌های خلاقانه و با در نظر گرفتن توسعه کامل شخصیت خود، زندگی منسجم و پیشرفت فرهنگی جامعه، در دسترس و فراهم باشد.^۸ چنین رویکردی به فرهنگ، بیانی دیگر از تعهدات دوگانه سلبی و ایجابی دولت‌ها در زمینه حقوق فرهنگی و ماهیت این حق‌های بشری است.

فرهنگ به مثابه اقلیت‌های قومی - زبانی

یونسکو در یکی از اسناد خویش، برای نخستین بار از تفسیر مضیق فرهنگ فراتر می‌رود و به سبک زندگی مربوط بودن فرهنگ و فراگیر بودن آن تأکید می‌کند.^۹ از آن پس بود که یونسکو تفسیری موسع از فرهنگ را اتخاذ و ابراز داشت که فرهنگ؛ افزون بر هنرها و محصولات فرهنگی، سبک زندگی جوامع و افراد تشکیل دهنده آن را نیز در بر می‌گیرد. این برداشت یونسکو از فرهنگ با سیاست اصلی آن‌که هر فرهنگ را دارای ارزش و حیثیتی می‌داند که باید مورد حراست و احترام قرار گیرند، در پیوندی تنگاتنگ بوده و از آنجایی که متضمن تعهد کشورها مبنی بر ایجاد شرایط ضروری به منظور حمایت و حراست از فرهنگ و مظاهر فرهنگی اقلیت‌ها می‌باشد، برای گروه‌های اقلیت و فرهنگ ایشان از اهمیت شایانی برخوردار است (فضائلی، کرمی، ۱۳۹۶، ص. ۲۰). یونسکو از

^۱ UNESCO, 1976, Section A.

^۲ UNESCO, "Mexico City Declaration on Cultural Policies," (World Conference on Cultural Policies, 26 July to 6 August 1982), paras. 16-22.

^۳ Ibid, para. 2; UNESCO, 1976, arts. 3(a) & (d)

^۴ . . Lori Szabo Garovich, Cultural Rights (Leiden: A. W. Sijthoff, 1974), 45-47

^۵ . Ibid, 45-47

^۶ UNESCO, 1976, para. 2 (1).

^۷ . Ibid, art. 2 (a).

^۸ . Ibid, art. 2 (b)

^۹ . RPPLCLTCI, 26 November 1976: para. 5 of Preamble.

تنوع فرهنگی به عنوان «میراث مشترک بشریت» یاد می‌کند. رعایت و تضمین اجرای حقوق فرهنگی گروه‌های مختلف اجتماعی لازمه اصلی حفظ و بقای تنوع فرهنگی در سطح جهان است (کرمی، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۷-۱۵۶).

ماده ۶ اعلامیه تنوع فرهنگی یونسکو و بند ۳ و ۴ خطوط اصلی دستور کار اعلامیه تنوع فرهنگی با تأکید بر مفاهیمی همچون آزادی بیان، کثرت‌گرایی رسانه‌ها، کثرت‌گرایی زبانی، دسترسی مساوی به هنر و دانش علمی و فناوری از جمله دانش دیجیتال و امکان دسترسی تمامی فرهنگ‌ها به ابزار بیان و نشر، تبادل دانش و بهترین رویه‌های مربوط به کثرت‌گرایی فرهنگی به منظور تسهیل مشارکت افراد و گروه‌های دارای زمینه‌های فرهنگی گوناگون در جوامع متنوع و تلاش برای درک و تشریح مفهوم حقوق فرهنگی، به عنوان جزء لاینفک حقوق (یونسکو، ۱۳۸۰، ص. ۶۵-۶۶).

در ایران، به پشتوانه‌ی همگونی نژادی، وجود اقلیت نژادی ایرانی تبار منتفی است در ایران برخلاف کشورهای دیگر که انواع اقلیت وجود دارد، به دلیل اتکای حاکمیت بر مذهب، فقط اقلیت دینی مورد شناسایی قرار گرفته است و قومیت‌های مختلف با فرهنگ‌ها، نژادها و زبان‌های مختلف اقلیت محسوب نشده، بلکه همانند سایر مردمان به شمار آمده‌اند (پروین، سپهری فر، ۱۳۹۳، ص. ۷۴).

در قانون اساسی ایران، به اقلیت‌های قومی، زبانی و ملی اشاره نشده اما در اصل ۱۹ آن تأکید شده: «مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.» ضمن اینکه بر اساس حقوق بشر اسلامی و ابتدای حکومت جمهوری اسلامی ایران بر مذهب، اقلیت‌های دینی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند.

دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به فرهنگ و اقلیت‌ها

در نظام جمهوری اسلامی ایران چتر شناسایی را برای همه اقلیت‌های دینی موجود در این سرزمین باز نکرده است، بلکه با توجه به مبانی دینی نظام جمهوری اسلامی ایران که در اصول متعدد قانون اساسی متبلور است و همچنین طبق اصل ۱۳ قانون اساسی فقط زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان که دارای ادیان توحیدی هستند به عنوان «اقلیت دینی» شناسایی می‌شوند: اقلیت‌ها، حق اجرای مراسم و مناسک مذهبی خود را دارند. قانون‌گذار نیز اجرای مراسم دینی اقلیت‌ها را در حدود قانون آزاد می‌داند؛ زیرا همراه برخی از اعمال عبادی آنان ممکن است مراسمی باشد که اجرای علنی آن در جامعه مسلمانان حرام و در جمهوری اسلامی خلاف قانون محسوب شود (هاشمی، ۱۳۸۲، ص. ۱۸۴).

در وضعیت فعلی ایران و با توجه به قانون اساسی کنونی کشورمان سه مقوله مربوط به از اقلیت‌ها را می‌توان از هم تمیز داد: اقلیت دینی (زردشتی، یهودی و مسیحی)، اقلیت مذهبی (تسنن حنفی، مالکی، حنبلی و مذهب زیدی) و اقلیت قومی (که اسامی آنها ذکر نشده است، اما در اصول خاصی به آنها اشاره شده، مانند اصول ۱۵ و ۱۹). صفت اقلیت قومی (بنا به اصل ۱۹ قانون اساسی؛ قوم، قبیله، رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها) با صفت اقلیت مذهبی و دینی قابل جمع است و در عمل نیز چنین جمعی وجود دارد. برای مثال ارامنه ایران ضمن آنکه از لحاظ دینی، مسیحی (مذهب گری‌گوری) می‌باشند، دارای زبان و فرهنگ متمایزی نیز هستند. حقوق دینی در مقوله تفاوت و تنوع دینی از منظر اسلام و قرائت شیعی آن که ملاک تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بوده، پیروان ادیان در یک جامعه اسلامی به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: مسلمانان: این گروه از هر مذهب و گرایش، اعم از شیعه و سنی، امت واحد محسوب می‌شوند و در کنار هم یک اکثریت را تشکیل می‌دهند؛ غیرمسلمانان: این گروه خود به سه شاخه تقسیم می‌شوند:

الف) اهل کتاب: غیرمسلمانانی که در رفتار با مسلمانان متخاصم نبوده و پیرو یکی از سه دین شناخته شده‌ی یهودیت، مسیحیت و زرتشتیت هستند. رفتار و حقوق متقابل بین مسلمانان و این گروه، پیرو قواعد مشخص و معینی است که در فقه به تفصیل آمده است؛ از ایشان به اهل ذمه نیز تعبیر می‌شود. بنابر نظر مشهور؛ این گروه از آن جهت که تنها ادیان شناسنامه‌دار در اسلام‌اند، کتابی یا اهل کتاب معرفی شده‌اند؛ به عبارت دیگر، از منظر اسلام تنها این سه دین منشاء الهی دارند و این منشاء نیز باعث وجود تفاوت‌هایی در احکام فقهی میان این گروه با سایر گروه‌های غیرمسلمان مثل بودائی‌ان و هندوها می‌شود.

ب) معاهد: غیرمسلمانانی که با مسلمانان متخاصم نبوده و پیرو یکی از ادیان سه‌گانه فوق نیز نباشند. رفتار و حقوق متقابل میان این گروه و مسلمانان بنابر قواعد و ضوابطی است که ولی فقیه و مقام ولایت امر معین می‌سازد.

ج) حربی: غیرمسلمانانی - اعم از اهل کتاب و غیرایشان - که با مسلمانان در حال مخاصمه بوده و جان، مال و عرض مسلمانان را محترم نمی‌شمارند. از منظر اسلام - و از باب مقابله به مثل - جان، مال و عرض این گروه نیز در نزد مسلمانان محترم نخواهد بود. با پذیرش واقعیات فوق‌الذکر و بر مبنای قرائت شیعی (که آیین اکثریت ساکنان جمهوری اسلامی ایران است) قانون‌گذار، اصول ۱۲، ۱۳ و ۱۴ قانون اساسی را این‌گونه تدوین نموده است:

اصول قانون اساسی در تبیین تنوع فرهنگی در ایران

اصل ۱۲: این اصل حاکی از حقوق دینی مسلمانان است: «دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است و این اصل الی‌الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراهای بر طبق آن مذهب خواهد بود؛ با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب».

اصل ۱۳: این اصل درصدد تبیین حقوق دینی غیر مسلمانانی است که به‌عنوان اهل کتاب از آن‌ها سخن گفتیم و تفصیل آن عبارت است از: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند».

اصل ۱۴: حقوق اقلیت‌هایی که با عنوان معاهد از آن‌ها سخن گفتیم در این اصل می‌گنجد: «به حکم آیه ۸ سوره شریفه ممتحنه شریفه لاینهاکم لله عن الدین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان لله یحب المقسطین. دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند». موضوع این اصل شامل کسانی است که به هیچ مذهبی اعتقاد ندارند و یا پیروان مذاهب و ادیان خارج از قلمرو اصل دوازدهم و سیزدهم هستند چرا که ایشان نیز شهروند جامعه اسلامی بوده و از حقوق و آزادی‌های مندرج در فصل سوم قانون اساسی تحت عنوان حقوق ملت برخوردارند (عمید زنجانی، ۱۳۸۵، ص. ۲۵۰-۲۴۹).

در اصل ۱۳ ق.ا. ضمن شناسایی وجود ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی به آنان پنج حق مخصوص اعطا کرده است در حالی که برای سایر ایرانیان غیر مسلمان حقوق خاصی مقرر نکرده است. در قوانین عادی هم توجه نشده است فقط در ماده ۳۱۰ ق.م.ا. ۱۳۹۲

مقرر می‌دارد: «غیر مسلمانانی که ذمی، مستامن و معاهد نیستند و تابعیت ایران را دارند و یا تابعیت کشورهای خارجی را دارند و با رعایت قوانین و مقررات وارد کشور شده‌اند، در حکم مستامن هستند». صفت اقلیت قومی (بنا به اصل ۱۹ قانون اساسی؛ قوم، قبیله، رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها) با صفت اقلیت مذهبی و دینی قابل جمع است و در عمل نیز چنین جمعی وجود دارد.

بدیهی است در یک جامعه اسلامی که قرار است احکام شریعت بر آن حکمرانی کند همه اجتماعات فرهنگی از فرصت‌های برابر شکوفایی برخوردار نیستند، از امکانات یکسان در دسترسی به قدرت سیاسی بهره نمی‌برند، پلیس و قوه قضایی در خصوص مطالبات مذهب بی تفاوت نیست و گروه‌های مخالف ارزش‌های اخلاقی و اسلامی جامعه باید همیشه در خصوص تزلزل و تضعیف موقعیت‌های اجتماعی خود دچار هراس باشند. بنابراین تنوع فرهنگی در مبنای اسلامی حداکثر به عنوان یک ابزار و رهیافت جهت تحقق دیگر اهداف غایی و آرمانی مدنظر است نه اینکه خود بنیانی فلسفی محسوب گردد که سایر مفاهیم و اهداف را حمایت نظری و معنوی کند. نگاه ابزاری قرآن به تنوع فرهنگی اجتماعی در آیه‌ای ۱۳ از سوره حجرات کاملاً مشهود است: «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» شما را از گونه‌ها و قبیله‌های مختلف آفریدیم تا یکدیگر را بشناسید اما نهایتاً گرمی‌ترینان نزد خدا با تقواترین شماست». بنابراین همان طور که یونسکو در تبیین مبانی مشروعیت و اهمیت تنوع فرهنگی به توضیحاتی در دو سطح ارزشی و نیز ابزاری می‌پردازد، در رویکرد اسلامی نیز توجه به هر دو بعد دارای اهمیت است. چنانچه آمد از منظر اسلامی تنوع فرهنگی نمی‌تواند به عنوان یک ارزش ذاتی ذیل پارادایم تکرر مورد پذیرش واقع شود، زیرا گزاره‌های ارزشی مدنظر تکررگرای ارزشی اگر نگوئیم مبتنی بر فلسفه سیاسی اجتماعی لیبرال هستند، دست کم با گزاره‌های بنیادین حقوق سیاسی اجتماعی اسلام همخوانی ندارند. پس اگر از منظر اسلامی، تنوع فرهنگی را به عنوان یک ارزش ذاتی پذیرفته باشیم قطعاً نه ذیل پارادایم تکررگرای بلکه در چارچوب‌های ارزشی اسلام که در مفهوم گسترده «تقوا» قابل تبیین هستند مدنظر قرار می‌دهیم. البته اینکه تنوع فرهنگی با فلسفه تقوای فرهنگی چگونه به عنوان یک ارزش ذاتی قابل توضیح است (جعفری، ۱۳۸۸، ص. ۸۲).

اصل سوم قانون اساسی، بندهای ۲ و ۳ و به ویژه بند ۹، به ترتیب بر بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان و رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی تصریح دارد. اما در قانون اساسی به دو قید اسلامی و قانونی تأکید دارد و هویت فرهنگی را نادیده می‌گیرد (فصیح رامندی، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۰).

اما در خصوص جایگاه این حقوق در قوانین داخلی علاوه بر اختصاص فصل سوم قانون مطبوعات مصوب ۱۳۸۲ به صورت مطلق به حق آزادی بیان، اصل ۲۴ قانون اساسی ذیل آزادی بیان مطبوعات و نشریات با قید مخل به اسلام نبودن این آزادی و اصل ۱۷۵ این حق را در حوزه فعالیت‌های صدا و سیما به رسمیت شناخته است (فصیح رامندی، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۳).

نتیجه گیری

بررسی اسناد یونسکو نشان می‌دهد که در پایان دهه توسعه فرهنگی، تنوع فرهنگی فقط ابزاری برای دستیابی به اهداف آرمانی یونسکو نیست و خود را تا سطح یکی از اهداف و آرمان‌های اصلی یونسکو ارتقا داده است. بنابراین در ادبیات جدید، تنوع فرهنگی خود یک ارزش ذاتی و جهان شمول است که می‌تواند سایر ارزش‌های جهانی مثل صلح و توسعه پایدار را در بر داشته باشد. اعلامیه جهانی حقوق فرهنگی فرایبورگ که در ۷ می سال ۲۰۰۷ با شرکت اکثر اعضای یونسکو به تصویب رسید در نوع خود مهم‌ترین سندی بود که برای اولین بار و به صورت جداگانه حقوق فرهنگی به عنوان بخش مهمی از حقوق بشر مشخص و به رسمیت شناخت. تنوع فرهنگی در مبنای اسلامی حداکثر به عنوان یک ابزار و رهیافت جهت تحقق دیگر اهداف غایی و آرمانی مد نظر است نه اینکه خود بنیانی فلسفی محسوب گردد که سایر مفاهیم و اهداف را حمایت نظری و معنوی کند. نگاه ابزاری قرآن به تنوع فرهنگی در آیه ۱۳ از سوره حجرات کاملاً واضح آمده: «شما را از گونه‌ها و قبیله‌های مختلف آفریدیم تا یکدیگر را بشناسید اما نهایتاً گرامی‌ترینتان نزد خدا با تقواترین شماست». از مقایسه کنوانسیون با حقوق جمهوری اسلامی چنین نتیجه‌گیری می‌شود: در ماده ۶ اعلامیه تنوع فرهنگی یونسکو و بند ۳ و ۴ خطوط اصلی دستور کار اعلامیه تنوع فرهنگی با تأکید بر مفاهیمی همچون آزادی بیان، کثرت‌گرایی رسانه‌ها، کثرت‌گرایی زبانی، دسترسی مساوی به هنر و دانش علمی و فناوری از جمله دانش دیجیتال و امکان دسترسی تمامی فرهنگ‌ها به ابزار بیان و نشر، تبادل دانش و بهترین رویه‌های مربوط به کثرت‌گرایی فرهنگی به منظور تسهیل مشارکت افراد و گروه‌های دارای زمینه‌های فرهنگی گوناگون در جوامع متنوع می‌داند اما در یک جامعه اسلامی که قرار است احکام شریعت بر آن حکمرانی کند همه اجتماعات فرهنگی از فرصت‌های برابر شکوفایی برخوردار نیستند، از امکانات یکسان در دسترسی به قدرت سیاسی بهره نمی‌برند. در حوزه آموزش از اقلیت‌ها در این کنوانسیون ممنوعیت برخورد تبعیض آمیز به حوزه یاددهی (تعلیم) نیز تعمیم داده می‌شود. اصل سوم قانون اساسی، بندهای ۲ و ۳ و به ویژه بند ۹، به ترتیب بر بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان و رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی تصریح دارد. اما در قانون اساسی به دو قید اسلامی و قانونی تأکید دارد. در بندهای ۷ و ۸ بیانیه اینچئون در مورد تساوی جنسیتی مقرر می‌دارد: همه افراد فارغ از جنسیت، سن، نژاد، رنگ، قومیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، منشاء ملی یا اجتماعی، مالکیت و تولد و همچنین افراد دارای معلولیت، مهاجران، بومیان، کودکان و جوانان بویژه افراد در معرض شرایط آسیب‌پذیر و سایر وضعیت‌ها باید در این چارچوب یکسان باشند. اما در قوانین ایران به موجب اصل (۲۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دولت ایران باید همه حقوق زنان جامعه که شامل جنس زن یعنی دختران نیز می‌باشد را تضمین کند. البته این اقدامات باید در چارچوب قواعد اسلامی و با رعایت موازین شرع مقدس تضمین شود. یکی از زیرمجموعه‌های بحث تساوی جنسیتی، محو کلیشه جنسیتی است که در بند ۲۰ چارچوب اقدام، صراحتاً مورد تأکید قرار گرفته است. اما در قوانین ایران به تناسب جنسیت توجه دارد. یونسکو بیان فرهنگی را ناشی از خلاقیت فرد، گروه یا جامعه می‌داند که ریشه در بافت فرهنگی خاصی دارد.

بر اساس دموکراسی فرهنگی همه انتخابها و رفتارهای و الگوهای فرهنگی ارزشمند هستند و نباید کسی مجبور به انتخاب یا عدم انتخاب رعایت الگویی خاص شود. در اصول ۲۴ و ۲۶ قانون اساسی در زمینه آزادی بیان و مطبوعات و تشکیل انجمن‌ها و

اجتماعات و محدود بودن آنها به اینکه به حقوق عمومی و وحدت ملی و استقلال و آزادی و مبانی اسلامی لطمه نزنند. در رابطه با حق آموزش به زبان مادری در بند دوم ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: هدف آموزش و پرورش باید شکوفایی همه جانبه شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. در قوانین ایران اصل ۱۵ قانون اساسی است که صراحتاً بیان داشته استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

فهرست منابع

قرآن کریم

منابع فارسی:

- اتابکی، تورج. (۱۳۹۱). تنوع قومی و تمامیت ارضی ایران سازگاری داخلی و مخاطرات منطقه‌ای، فصلنامه گفتگو، شماره ۴۳، ص ۷.
- بیات، کاوه. (۱۳۹۱). حق و ناحق مسائل قومی در ایران معاصر، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو، شماره ۴۳، ص ۱۰۲.
- بیگ زاده، ابراهیم، کلینی، شهناز. (۱۳۸۲)، حقوق سازما نه‌ای بین‌المللی: جلد اول: سازما نه‌ای جهانی تهران: انتشارات مجد.
- جاوید، محمدجواد. (۱۴۰۰). از تنوع فرهنگی تا مهندسی فرهنگی؛ چالشی بین حقوق بشر و حقوق شهروندی، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۱، شماره ۲، صص ۴۷۳-۴۵۵.
- جعفری، علی. (۱۳۸۸). جمهوری اسلامی و تنوع فرهنگی یونسکو (بررسی انتقادی کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی)، رسانه، سال بیستم، شماره ۲.
- حمیدی فراهانی، همایون؛ حشمتی، هادی. (۱۳۹۱). بررسی جایگاه و تحولات فرهنگ در فرآیند جهانی شدن، مجله مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۹، شماره پیاپی ۹، صص ۱۸۰-۱۵۳.
- روح الامینی، محمد. (۱۳۷۲). «زمینه فرهنگ شناسی»، تهران: نشر عطار.
- صالحی امیری، رضا. (۱۳۸۹). «انسجام ملی و تنوع فرهنگی» چاپ دوم، تهران، : مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ص ۱۵۲.
- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۵). «فقه سیاسی»، قم: انتشارات گنجینه معارف.
- فصیح رامندی، منصوره. (۱۳۹۶). تضمین قانونی حقوق فرهنگی بشری مؤثر در برنامه ریزی فرهنگی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال یازدهم، شماره چهلیم، صص ۱۷۰-۱۷۳.
- فضائلی، مصطفی؛ کرمی، موسی. (۱۳۹۶). حمایت از فرهنگ و حقوق فرهنگی اقلیت ها در پرتو تفسیر عام شماره ۲۱، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال نوزدهم، شماره ۵۶، ص ۲۰.
- قاری سید فاطمی. (۱۳۸۸). سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر یکم، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ص ۹۲.
- کرمی، موسی. (۱۳۹۳). حمایت از حقوق فرهنگی اقلیت‌های قومی در حقوق بین‌الملل با تأکید بر گردها در ترکیه، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، قم: دانشگاه قم.
- مقصودی، مجتبی. (۱۳۸۱). تحولات قومی در ایران، علل و زمینه ها، تهران: انتشارات تمدن ایرانی وابسته به موسسه مطالعات ملی.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴). «مجموعه آثار»، تهران: صدرا، ص ۳۷۵.
- منتظری، احمد و همکاران. (۱۳۹۸). بررسی نسبت تنوع فرهنگی در ایران و حقوق بشر، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره چهارم، صص ۲۲۵-۱۸۹.
- نش، کیت. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- نوذری، حسینعلی. (۱۳۸۵)، صورت‌بندی مدرنیته و پست مدرنیته، چ دوم، تهران: انتشارات نقش جهان.

وحید، مجید. (۱۳۸۳). کنوانسیون جهانی تنوع فرهنگی: بررسی زمینه‌های فکری- تاریخی، موضوع و چشم‌انداز تصویب و تبعات در سیاستگذاری فرهنگی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۳، صص ۲۶۹-۲۵۳.

وحید، مجید؛ اسماعیلی زاده، مریم. (۱۳۹۳). کنفرانسیون حفظ و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی و رویکرد جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا نسبت به آن، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال سوم، شماره یازدهم، صص ۱۴۸-۱۱۷.

هاشمی، محمد. (۱۳۸۲). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول: اصول و مبانی کلی نظام، تهران: نشر میزان.

مجموعه مولفین، گزارش نشست « تنوع فرهنگی - فرصتی برای ایران »، کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی ، ۱۳۸۸/۱۲/۴ ،

منابع انگلیسی:

- Beacom, A. (2012). *International Diplomacy and the Olympic Movement: The New Mediators*. Palgrave Macmillan.
- Diller, Jerry v. , *Cultural Diversity: A Primer for the Human Services*, Cengage Learning, Fourth Edition, 2010, p. 67.
- Mitchell, J. M. (1986). *International cultural relations*. London: Allen and-unwin Publishers.
- Parekh, Bhikhu(2000), *Rethinking Multiculturalism: Cultural Diversity and Political Theory*, UK: Palgrave.

